

## اسباب اختلاف بین مسلمانان؛ بخش اول



جهل

حجة الاسلام و المسلمین دکتر احمد شفیعی نیا

از آنجاکه ماهیت حقیقی انسان بعد روحانی و معنوی اوست، خداوند هم در ارزش گذاری وی صفات معنوی را معیار قرار داده است. از جمله این معیارها برتری عالمان بر جاهلان است. چنانکه فرمود: **قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ**: [1] بگو آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان اند؟ از این رو اولین هدیه خداوند به انسان دانش است. چنانکه فرمود: **اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَاقٍ \* اقْرَأْ وَ رَّبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ**: [2] بخوان به نام پروردگارت که آفرید؛ انسان را از علق آفرید؛ بخوان و پروردگارت تو کریم ترین است؛ همان که به وسیله قلم آموخت. [3]

همان طور که علم و دانش برترین ویژگی انسان و عامل برتری یافتن اوست، جهل و نادانی هم بدترین دردی است که انسان می تواند به آن مبتلی شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از سخنان خود جهل را این گونه معرفی می فرماید:

«الْجَهْلُ أَدْوَأُ الدَّاءِ»: [4] جهل دردناک‌ترین درد است».

«الْجَهْلُ فَسَادُ كُلِّ شَيْءٍ أَمْرٍ»: [5] جهل موجب خرابی هر کاری است».

«الْجَهْلُ أَمَلٌ كُلُّ شَيْءٍ شَرٌّ»: [6] جهل ریشخون تمام بدی‌هاست».

با این اوصاف امام عسکری علیه السلام در وصف جهل فرمودند: «الْجَهْلُ خَمَمٌ»: [7] جهل دشمن جان و هستی انسان است؛ زیرا با هرچه نمی‌شناسد به دشمنی می‌پردازد، بدون آنکه بررسی کند آیا آنچه دشمن می‌شمارد مفید است یا مضر؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا»: [8] مردم دشمن ناشناخته‌های خود هستند».

درحقیقت جهل یعنی ناداری کامل و تهی‌دستی است از هر چیزی که انسان را در رسیدن به مقصدش یاری می‌کند. در مصادر اهل سنت از حسن بن علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرمودند: «لَا فِقْرَ أَشَدَّ مِنْ الْجَهْلِ»: [9] ناداری‌ای شدیدتر از جهل نیست».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صِفَةُ الْجَاهِلِ: أَنْ يَظْلِمَ مَنْ خَالَطَهُ وَ يَتَدَعَدُّ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ، وَ يَتَطَاوَلُ عَلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ، كَلَامُهُ بِغَيْرِ تَدَبُّرٍ»: [10] ویژگی جاهل این است؛ با همنشینان خود به ظلم رفتار می‌کند و بر زیردستان خود تعدی می‌کند و از بالاتر از خود سرکشی می‌کند، سخن‌گفتنش بدون تفکر است».

حتی در مقابل خدای خود هم موضع‌گیری می‌کند. ربیع بن خیثم در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْوَدُوا أَسْوَاقَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ مَتَاعَ النَّسَاءِ» [11] ای انسان، چه چیز تو را دربار [پروردگار] بزرگوارت مغرور ساخته؟ می‌گوید: «الْجَهْلُ»: [12] نادانی [علت آن است]».

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مِنْ اخْلَاقِ الْجَاهِلِ: الإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ؛ وَ الْمُعَارِضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ؛ وَ الْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ»: [13] از اخلاق جاهل این است؛ قبل از آنکه بشنود پاسخ می‌دهد و قبل از آنکه بفهمد به ستیزه برمی‌خیزد و بدون آنکه بداند حکم می‌کند».

حتی غیر از حکم خود را درست نمی‌شمرد. ابن مسعود می‌گوید: «يُحْسَبُ الْمَرْءُ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ

يَخَافَ اِنَّ، وَ بِحَسَبِهِ مِنَ الْجَاهِلِ اَنْ يُعْجِبَ بِعَمَلِهِ: [14] انسان از طبقه علما حساب می‌شود وقتی که از خدا بترسد و برای اثبات نادانی او همین بس که فقط کردار خود را پسندیده بداند».

با توجه به روایات گذشته، شخص جاهل دشمن خوبی‌ها، و کینه توز نسبت به خوبان و منکر حقیقت است؛ زیرا جاهل قبل از درک حق یا باطل بودن چیزی به معارضه با آن می‌پردازد، و با هر رخدادی خارج از اصول برخورد می‌کند. در نتیجه با هر چیزی به مخالفت و دشمنی برمی‌خیزد، و از گفتن هر تهمت و ناسزایی کوتاهی نمی‌کند. امروزه در میان مسلمانان، با وجود این همه تأکیدات دینی، می‌بینیم به جای مهربانی و همکاری و رعایت انصاف و حسن‌ظن به برادران مسلمان، به خاطر سوء ظن‌ها و تهمت‌های بی‌اساس چه فتنه‌ها و خونریزی‌هایی دامن‌گیر جوامع اسلامی شده است. ریش بسیاری از این نابسامانی‌ها، جهل و بی‌اطلاعی مسلمانان راجع به اعتقادات و رفتار دیگر برادران مسلمان خود است؛ که با اتهام کفر و فسق، شمشیر بر روی هم می‌کشند، و جرائمی را مرتکب می‌شوند که همگی در تضاد با اصول اسلامی و انسانی است.

در این راستا ابوموسی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «إِنَّ مِّنْ وَرَائِكُمْ أَيَّامًا يَنْزِلُ فِيهَا الْجَاهِلُ؛ وَ يَرْفَعُ فِيهَا الْعِلْمُ؛ وَ يَكْثُرُ فِيهَا الْهَرَجُ. قالوا: يا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا الْهَرَجُ؟ قَالَ: الْقَاتِلُ: [15] در آینده روزهایی بیاید که جهل حاکم شود، و علم رخت بر بندد و در آن هرج بسیار شود. از آن حضرت پرسیدند: مقصود از هرج چیست؟ فرمود: کشتار».

در این روایت به صراحت بیان می‌کند که؛ از عوامل اصلی تفرقه و نابسامانی میان مسلمانان عدم آگاهی آنان از زمان خود و اهل آن است؛ و همین نادانی دست مایه ریخته شدن خون بسیاری از مسلمانان به دست یکدیگر شده است.

[1]. زمر: 9.

[2]. علق: 1-4.

[3]. همان.

[4]. آمدی، غرر الحکم، ص820.

[5]. همان، ص930.

[6]. همان، ص819.

[7]. ری‌شهری، منتخب میزان الحکمة، ص1239.

[8]. همان، ص1266.

[9]. ابن‌ابی‌الدینار، الورع، ص122؛ طبرانی، المعجم الكبير، ج3، ص169؛ قضاعی، مسند الشهاب، ج2، ص38؛ بیهقی، شعب الایمان، ج4، ص157.

[10]. حرّانی، ابن‌شعبه، تحف العقول، ص13.

[11]. انفتار: 6.

[12]. ابن‌ابی‌شیه، المصنّف، ج8، ص203 و 210.

[13]. ری‌شهری، منتخب میزان الحکمة، ص125.

[14]. ابن‌ابی‌شیه، المصنّف، ج8، ص158 و 212.

[15]. همان، ص594.